

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ جنوری ۲۰۱۶

پیرامون قطع روابط عربستان سعودی و ایران

ماهیت بحران منطقه جنگ شیعه و سنی نیست، تلاش امپریالیسم برای گسترش مناطق نفوذش است

دولت و هابیسست عربستان سعودی دولتی عمیقاً عقب مانده و ارتجاعی، همدست صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. حکام دست نشانده عربستان سعودی با پذیرش این خفت که نفتشان را در بازار جهانی فقط به دالر بفروشند، باعث شده تا همه ممالک دنیا مجبور شوند برای خرید مواد سوخت فسیلی خویش به تهیه دالرهایی بی ارزش امریکائی بپردازند که مقدار انبوه در گردش آن را "فدرال رزرو" امریکا بدون دخالت رسمی دولت امریکا تعیین می کند. ارزش دالر امریکا از جمله به نفت عربستان سعودی وابسته است. عربستان سعودی بعد از سرنگونی رژیم محمد رضا شاه که ژاندارم منطقه بود به مقابله با انقلاب ایران پرداخت، زیرا هراس داشت تأثیرات گرمای این انقلاب همه منطقه و از جمله عربستان سعودی را فرا بگیرد. تحریک صدام حسین و یاری به وی برای حمله به ایران از جمله این قبیل اقدامات بود. رژیم جمهوری اسلامی نیز از همان روز نخست منکر پرده داری خانه کعبه توسط آل سعود شد و مردم را به سرنگونی این رژیم و هابیسستی فراخواند که این موضعگیری در عرف دیپلماسی از زبان مقامات رسمی اقدامی تحریک آمیز محسوب می شد. این کار شبیه همان اقدامات دسیسه چینه ای است که امروز عربستان سعودی، ترکیه و ناتو به ضد دولت قانونی سوریه می کنند.

عربستان سعودی و قطر به طور عمده منابع تغذیه مالی همه نیروهای تروریستی و عقب مانده اسلامی در آسیا و آفریقا هستند. رژیمهای ارتجاعی منطقه توسط این رژیم، با رضایت خاطر امپریالیسم ناتو، مورد حمایت قرار می گیرند. عربستان سعودی یار و یاور القاعده، طالبان، داعش، بوکو حرام و سایر جریانهای ارتجاعی و تروریستی در جهان است. این نطفه فساد در منطقه در تمام بمب گذاری ها و آدمکشی ها در پاکستان، عراق، افغانستان، سوریه، لیبیا و... مستقیماً دست دارد و این امر امروز مورد تأیید هه آگاهان سیاسی بوده و آنها دیگر نمی توانند آن را کتمان کنند.

عربستان سعودی سران کشورها را با پول می خرد، به آنها رشوت می دهد. در امور داخلی یمن دخالت کرده و در آنجا ارتشش را پیاده نموده است و به قتل عام مردم یمن دست می زند و کسی در جهان خودی ها، زبان به اعتراض نمی گشاید. به دولت سودان پول داده تا ارتشش را به ضد مردم یمن اعزام کند. برای سرکوب مردم بحرین تانکهای خویش را به این کشور گسیل داشته است و اعتراضات مردم را سرکوب کرده و می کند. بعد از توافقات هسته ئی ایران با امریکا که مورد موافقت اسرائیل و عربستان سعودی نبود، این کشور عنان اختیار سیاست خارجی خویش را از دست

داده و با روشهای هیستریک و عصبی در منطقه به گرد و خاک و اقدامات نسنجیده و ماجراجویانه متوسل شده است. اقداماتی که عواقب بسیار وخیمی برای منطقه و رژیم آل سعود خواهد داشت. سیاست کاهش بهای نفت که به عنوان وسیله ای در دست حکام این کشور بود تا مخالفان را از جمله ایران، روسیه، ونزوئلا و... در تحت فشار اقتصادی قرار دهد، حال گریبان خود این کشور را با توجه به ولخرجیهایش در حمایت از تروریسم جهانی گرفته و برایش مشکلات اقتصادی ایجاد کرده است. تشنجهای رژیم آل سعود تشنجهای مرگ است و از رشد و شدت تضادهای درونی و بیرونی این رژیم حکایت می کند. حتی امپریالیستهای اروپائی نیز که صابون این ماجراجوئی ها با هجوم پناهندگان به اروپا به تشنشان خورده است حاضر نیستند زبان انتقاد خویش را نسبت به آنها ببندند.

رژیم عربستان سعودی بزرگترین حامی داعش در سوریه و دوست و یاور اردوخان در ترکیه است. هر دوی این کشورها ایران را دشمن خویش می دانند و برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خویش در منطقه از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. ریاکاری و دروغگوئی از سرپای این دو رژیم می بارد یکی به قتل عام کردهای انقلابی ترکیه مشغول است و شهرهای کرد نشین را با خاک یکسان می کند و دیگری همزمان و با هماهنگی شمشیر شیعه کشی از آستین بدر آورده و به جنگ شیعه و سنی دامن می زند. البته این سیاست ایجاد نفرت در میان سنی ها به ضد شیعیان که یک تاکتیک مودیان و برای رد گم کردن است در میان توده مردم سنی مذهب مؤثر نبوده است. در این کارزار تبلیغاتی شیعه کشی، تنها پاره ای حکومتهای سنی، آنهم بیشتر به علت چشمداشت به کمکهای مالی عربستان سعودی شریک اند. مردم این کشورها در این برادر کشی شرکت نمی کنند.

به یک نکته باید توجه داشت و آن این که ماهیت نزاعی که در منطقه در گرفته است مبارزه با قطع نفوذ امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای سنتی در منطقه است. این مبارزه مبارزه خلقهای منطقه به ضد امپریالیسم و صهیونیسم می باشد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، قطر، کویت و ممالک نظیر، مورد نفرت خلقهای عرب هستند و عمر آنها به شمارش افتاده است. تحریکات و تبلیغات ضد شیعه که راه انداخته اند، سیاست منحرف کردن مبارزه خلقهای منطقه است. شکست سیاست عربستان سعودی و ترکیه در سوریه که نقطه عطف آن شرکت نیروی هوائی روسیه در مبارزه با تروریسم بود و مالا تضعیف سازمانهای تروریستی از جمله داعش را به دنبال داشت، تمام سیاست ستراتیژیک محور ترکیه-عربستان سعودی-قطر را برهم زده است و دسیسه هماهنگی دائمی اتحادیه عرب را در آینده به گور سپرده است. عربستان سعودی و ترکیه با شکست سیاستهای ماجراجویانه و ارتجاعی خویش در پی برهم زدن توافقات در منطقه و ادامه یاری به نیروهای تروریستی و شاید حتی دخالت نظامی در سوریه و اشغال بخشی از سرزمین این کشور به عنوان "سوریه آزاد" هستند. شیعه کشی عربستان سعودی بازتاب این شکست و تشنجی ناشی از ضعف است.

کمونیستهای و همه آزادیخواهان و دموکراتها باید از برادری میان خلقهای منطقه و به ویژه خلق های ایران و ترک و

عرب در منطقه به دفاع برخیزند و همبستگی مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خویش را تقویت کنند و

مانع شوند که به بهانه جنگ شیعه و سنی مسیر مبارزه آنها منحرف گردد. هم امپریالیسم و هم صهیونیسم به این تبلیغات و دروغها دامن می زنند تا یک جنگ خانگی و نسل کشی در منطقه ایجاد کنند. در میان اپوزیسیون خود فروخته ایرانی نیز شما با تحریکات ضد عرب و ترک و حتی ضد فارس روبه رو هستید. این ایجاد نفرت ملی بخشی از سیاست ستراتیژیک صهیونیسم در منطقه است تا به ویژه ایران را به ضد اعراب تحریک کرده و از آب گل آلود برای خود ماهی بگیرد. این ایران پرستان آریائی و ضد عرب همدستان اسرائیل در منطقه هستند. در کنار آنها بخشی دیگر از اپوزیسیون خود فروخته قرار دارند که مبارزه سیاسی و طبقاتی را به جنگ صلیبی و دینی بدل می کنند. دشمن

تراشی با اسلام و ایجاد اسلام هراسی با الهام از تئوری های منصور حکمت صهیونیست، دقیقاً مکمل همین سیاست اسرائیل و عربستان سعودی و پان ترکیسم عثمانی بزرگ اردوخان است که "حزب کمونیست کارگری ایران" و همه مریدان منصور حکمت به آن دامن می زنند.

اما رژیم جمهوری اسلامی به ویژه در اوایل انقلاب با سخنان متناقض در مورد حقانیت شیعه نسبت به سنی و تلاش برای درج آن در قانون اساسی که پس گرفته شد به این نوع تبلیغات میدان داده است. این رژیم با نفوذ در عراق به جای ایجاد روحیه همبستگی میان مردم با ادیان گوناگون و خنثی کردن تبلیغات حامیان عربستان سعودی، و طرد حضور سربازان ممالک اشغالگر، خود با همان منطق صدام حسین که شیعیان را مورد تضييق قرار می داد، رفتار می کند. سیاست کاهش تحریک آمیز از نفوذ سنی ها در قدرت سیاسی حتی سنی هائی که مخالف صدام حسین بودند، میدان را برای تحریکات امپریالیستها باز می گذارد و ما را با فاجعه ای روبه رو می سازد که امروز با آن روبه رو هستیم. البته این یک واقعیت است که در ایران نه در زمان شاه و نه در زمان جمهوری اسلامی هیچ کس را مورد تعقیب قرار نداده اند تا زمانی که به مخالفت آنها با سرپای رژیم خودشان مطمئن نبوده اند. در ایران کسی را به بهانه دارا بودن مذهب سنی، مسیحی، زرتشتی، و یا تعلقات ملی و قومی مورد پیگرد قرار نداده اند ولی هرکس را که به ضد رژیم جمهوری اسلامی در هر سطحی مبارزه کرده است بیرحمانه مورد پیگرد و تعقیب قرار داده اند. اینطور نیست که در ایران مذهب، جنسیت و یا ملیت خاصی از همه حقوق دموکراتیک برخوردار بوده و دیگران فاقد آن هستند. بسیاری از جان باختگان مردم میهن ما سیاسیونی بوده اند که سنتاً جزء شیعیان به حساب می آمدند. در رژیم جمهوری اسلامی اساس حفظ سلطه این رژیم است و مخالفان و سرکوبها را بر این اساس محک می زنند.

همین تجربه تجاوز مزدوران خارجی به سوریه که اکثریت مردم و حزب بعث حاکم نیز سنی مذهبند و یا حمایت از لبنان که حکومتش ترکیبی از ادیان و نیروهای سیاسی گوناگون است، چه از جانب ایران و چه از جانب عربستان سعودی نشان می دهد که نزاعی که در منطقه در گرفته است ماهیتاً دعوی شیعه و سنی نیست. نه کشور عمان سنی مذهب و نه ممالک آسیای میانه سنی مذهب حاضر شده اند از عربستان سعودی پیروی کنند و نه سنی های ساکن ایران. حال آن که آذربایجان شیعه مذهب در قفقاز همدست ترکیه و اسرائیل و عربستان سعودی است. ماهیت نزاع کنونی یک نزاع سیاسی برای سلطه جوئی امپریالیسم در منطقه است که به میدان بی رقیب و بدون درد سر نیاز دارد. حضور لبنان، سوریه و ایران با سیاستهایی که در عرصه خارجی دارند باب میل امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه نیست. به همین جهت نیز آنها با شعار "نه غزه، نه سوریه، نه لبنان، بعدش نوبت ایران" به میدان آمدند و به تدریج همین سیاست را به کار گرفته و می گیرند و به پیش می برند.

حزب ما سرکوب هر اقلیت ملی، مذهبی و... را در هر دو کشور محکوم کرده و خواهان تحقق حقوق دموکراتیک مردم هر دو کشور می باشد.

حزب ما تجاوز به بحرین و قتل عام مردم یمن توسط عربستان سعودی را قویاً محکوم می کند.

حزب ما حمایت از داعش و دخالت بی شرمانه ترکیه، عربستان سعودی و ناتو را در امور داخلی سوریه و قتل عام این مردم را محکوم می کند و بهانه نقض حقوق بشر در سوریه را تا از آن وسیله ای برای نقض حقوق ملل بسازند ریاکارانه ارزیابی می کند. سرنوشت مردم سوریه باید به دست خود مردم سوریه تعیین شود و این امر در یک انتخابات آزاد با حق شرکت **بشار اسد** دولت قانونی و مشروع سوریه امکان پذیر است. هر حيله دیگری به بهانه مستبد بودن **بشار اسد**، نقض حقوق بشر در سوریه به معنی همدستی با داعش و عربستان سعودی، پان ترکیسم عثمانی، صهیونیسم و امپریالیسم است.

نکته دیگر در مورد سخنرانی ولی فقیه در ایران است. وی به جای تکیه بر برادری سنیان و شیعیان در جهان اسلام و تکیه بر برادری و همسرنوشتی مشترک آنها به ضد صهیونیسم و امپریالیسم و افشای سیاستهای خرابکارانه و دشمنانه عربستان سعودی با خواستهای مترقی خلق عرب، بی توجه به تحلیل از حرکت عربستان سعودی که از موضع ضعف انجام می شود، با همان ورقی به بازی آمده است که آل سعود با آن بازی می کند. تهدید عربستان سعودی که باید از "انتقام خدا" بترسد، تنها به معنی اقدامات تلافی جویانه و تروریستی بعدی از جانب ایران است که به این دور شیطنانی. انحرافی در مبارزه امکان بقاء می دهد. عربستان سعودی که در این زمینه از امکانات مالی و تبلیغاتی و همدستی صهیونیسم و امپریالیسم برخوردار است مسلماً دست بالا را خواهد داشت. این سیاست رژیم جمهوری اسلامی عملاً در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و به ضرر دوستی خلقهای منطقه تمام می شود و به افراد ایران منجر خواهد شد. امپریالیسم، صهیونیسم، پان ترکیسم و وهابیسیم عربستان هجوم گسترده ای را علیه ایران آغاز کرده اند و خنثی کردن این هجوم تنها با تکیه به مردم ایران با به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های طبیعی آنها و ایجاد یک جبهه وسیع همبستگی جهانی ممکن است وگرنه درجه مقاومت کشور ایران بی نهایت نیست و صدمه جبران ناپذیری بیند. آنهم در شرایطی که ما شاهدیم فقط زور است که حرف اول را می زند و قدرتمندان هیچ حق و قانونی را در جهان به رسمیت نمی شناسند. اتخاذ سیاست عصبی، تهدید آمیز و تلافی جویانه همان خواستی است که دشمنان ایران به دنبالش هستند. باید از همبستگی همه مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و... مترقی علیه امپریالیسم و صهیونیسم صرف نظر از تعلقات ملی آنها حمایت کرد و مانع شد که دین را وسیله اغفال و انحراف در مبارزه انقلابی و طبقاتی نمایند.

حزب کارایران(توفان)

سه شنبه ۱۵ دی [جدی] ۱۳۹۴

www.toufan.org